

کارشناسان راهکاری دهند

پیشنهادهایی برای کارتابل رئیس جمهور در ۹ تیر



علی ملکی
خبرنگار گروه نقد روز

مشکلات کشور در حوزه‌های مسکن، اشتغال، تورم، سیاست‌های ارزی و…و کاندیداهای ریاست‌جمهوری را مجاب می‌کند تا درخصوص حل‌وفصل آنها، وعده‌هایی در قالب طراحی برنامه اساسی و مدون ارائه دهند. بخشی از این طرح‌ها در روزهای اخیر و طی برنامه‌های انتخاباتی صدراعظمیامای دولت نامزد‌ها معرفی شد. همچنین شش نامزد ریاست‌جمهوری در قالب چهاردهم طرح‌های خود برای اداره کشور و حل مشکلات موجود را از طریق صفحات شخصی و تبلیغاتی‌شان در فضای مجازی به گوش مردم رساندند. نکته‌ای که پس از بازخوانی این طرح‌ها به ذهن‌رای‌دهندگان متبادر می‌شود، چگونگی دستیابی به آنهاست. این مساله از این جهت شکل می‌گیرد که طرح‌ها و برنامه‌های مذکور عمدتا در بازه زمانی مقرر محقق نشده‌اند. از طرفی کارشناسان معتقدند

شاکی: کاندیداها باید یک تیم برای طراحی برنامه داشته باشند

مجید شاکری، کارشناس مسائل اقتصادی به برخی از مسائلی که نامزدها ناچارند به آن بپردازند اشاره کرده وگفت: «برخی موضوعاتی که نامزدها در مورد خودرور، اقتصاد دریامحور، رابطه با هنرمندان، سیاست‌های کلی می‌گویند، کمپین است. یک سری اتفاقات است که موح‌های آن باامواج بسیارهمگینی به‌سمت‌مامی خورد،مثلااگرکترصورکنیم‌فرازاست‌انتخابات دودومی برگزار شود، فقط ۵ روزبعد از دور اول، اجلاس سران شانگهای برگزار می‌شود، واین آخرین اجلاس سران شانگهای قبل از انتخابات آمریکااست. اگر شما قبل از تغییرات در آمریکا، حرفی با پوتین، شی‌جین‌پینگ، ناندرنا سودی، دارید، زمانش آن موقع است. تقریبا ۵ ماه بعد از این موضوع موقع انتخابات آمریکاست وچه بایدن دور دوم وچه ترامپ که در این دور خواهند آمد، می‌خواهند تنش را با روسیه کنترل کنند و مستقیما به سمت مهر چین بروند. هیچ برنامه‌هرچنینی وجودندارد که شامل یک کمپین فشار حداکثری جدید علیه ایران نباشد. یک سال بعد از این سال هم برجام است و مهلت استفاده از مکانیسم ماشه برای غربی‌ها به پایان می‌رسد و هیچ دولتی در آمریکانیتست که حاضر باشد بدون گرفتن یک امتیاز خیلی بزرگ این زمان را بگذارد. اینها واقعیت است. اینکه سیاست ارزی با سیاست پولی چه باشد در همین بستر معنایی‌می‌کند.پس یک کاندیدا اگر هم روی طراحی کمپین متمرکز است، باید یک تیم جداگانه‌ای برای طراحی برنامه داشته باشد، چون وقتی وجود ندارد، و آمریکا یکی‌ها برای غربی‌ها زدن به ما راه حل‌های محدود ولی بسیار قاطعی دارند که می‌توانند از آن استفاده کنند، مثل وابستگی ما به حوزه معافیت‌های آمریکا در مورد واردات کالاهای اساسی، مثل وابستگی بسیار بالای ما به درم برای تسعیر، مثل نحوه فروش نفت ما که آمریکایی‌ها می‌توانند روی آن اثر بگذارند و شما در کلماتی که در این مناظره‌ها، در این برنامه‌ها می‌بینید، تقریبا هیچ چیز در این مورد نمی‌شنوید. در واقع برای مثال مساله فرداصبح ما این نیست که اقتصاد دریامحور را چه کنیم این است که چکار کنیم که بتوانیم ۷ ماه دیگر کالای اساسی وارد کنیم.

کمپین باید با اولویت متفاوت باشد

این کارشناس مسائل اقتصادی به تعریف کمپین‌های انتخاباتی پرداخته وگفت: «کمپین همان تبلیغات است. شما سعی می‌کنید یک چشم‌انداز مثبت را به افراد مقابل‌تان نشان دهید. معنی آن نیست که ۸ صبح فردا که پشت‌میزتان نشسته‌ید کارواپ‌تان این است، اصالتا می‌لپنی که مقابل شماست به شما می‌گوید که موضوع اول‌تان نمی‌تواند اقتصاد دریامحور باشد. شما در لحظه‌ای هستیید که مابین امنیت، اقتصاد و سیاست خارجی، هیچ فاصله‌ای وجود ندارد. این مجموعه‌ای از رفتارهای اقتصادی را انجام دهید که در سیاست خارجی به شما یک اولویت‌امنیتی در مقابل آن چیزی که دار می‌آید، بدهد. مهم‌ترین کارهایی که الان می‌شود انجام داد، تنوع مبادی واردات کالاهای اساسی و کاهش سهم درم است. فرصت خیلی کمی هم برای تحقق اینها داریم. اما به خاطر شکل تراز پرداخت‌هایمان به‌طور حداقل در یک دوره یک‌ساله، قابل انجام است.»

سیاست‌های کلی فهرست اقدامات عاجل ندارد

شاکری معتقد است اینکه در انتخابات آمریکا بایدن پیروز شود یا ترامپ

مشکلات کلان کشور بیشتر مورد توجه نامزدها قرار گیرد و طراحی برنامه برای حل آنها درکنار برنامه‌های تبلیغاتی پیگیری شود.

دولت‌ها و مجلس‌های گذشته طرح‌ها و لوایح متعددی را در حوزه‌های مختلف تدوین کردند و بخشی از آنها به مرحله اجرا و بهره‌برداری رسید و بخش دیگری اجزایی نشدند یا نیمه‌کاره رها شدند، بنابراین شش چهره صاحب‌نامی که خواستار نشستن بر کرسی ریاست‌جمهوری هستند، باید توجه ویژه‌ای به آنها داشته باشند. مسعود پزشکیان در برنامه تلویزیونی به موضوع «FATF» پرداخت وگفت: «حداقل FATF داخلی داشته باشیم تا بفهمیم پول کجا می‌رود»، علیرضا زاکانی نیز در یکی از وعده‌های خود به تولید و توزیع گوشت پرداخت وگفت: «روزی ۱۲۰ تن گوشت توزیع می‌کنیم و آن را افزایش می‌دهیم؛ با نرم‌افزارهای موبایلی به اندازه نیاز مردم در منزل به آنها تحویل خواهیم داد». سعید جبلی هم به فرصت‌هایی اشاره کرد تا با استفاده از آنها «عقب‌ماندگی‌های چندصدساله» را در «چندسال» جبران کنیم. امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی، دیگر

امنیتی‌ترین موضوع «اقتصاد» و اقتصادی‌ترین موضوع «امنیت» است

شاکری بافرض تمرکز بر سیستم بانکی به برخی از چالش‌های این حوزه اشاره کرده وگفت: «الان هم باید قانون بانک مرکزی را اجرا کنیم، هم برنامه هفتم بدنه خیلی مهمی دربرابر بانک ملی دارد و هم در وضعیت کنترل ترانزما به نرخ‌های بهره خیلی بالا در بازار آزاد موجود و بازار رکودی را می‌بینید. فرض کنیم می‌خواهم این کار را انجام دهم، اگر وسط کار یک شوک ارزی داشته باشیم کل برنامه من به هم می‌خورد. مثلا در برنامه هفتم توسعه؛ بناسه که یک شرکت مدیریت دارایی‌های بانک‌ها وجود داشته باشد که دارایی‌های سهمی را خریداری کند. کار خیلی سختی است؛ شما یک دفعه دارایی‌های سهمی را خریداری می‌کنید، باید «ای‌کیو‌آر» انجام دهید، به کسر بخرید؛ زیان‌های آن را در ترانزما به بانک‌ها شناسایی کنید. خیلی کار سختی است. فرض کنید هم‌زمان با این یک معر رخ‌شد نرخ ارز خ دهد و شما با یک گروه جدیدی از تسهیلات رکودشده به خاطر موج جدید افزایش نرخ ارز مواجه شوید. می‌خواهید دوباره همان کار را از اول انجام دهید؟ پس اصلا آن روزگاری که یک‌سری برنامه اقتصادی، امنیتی، سیاست خارجی داشته باشیم که از هم جدا باشد، بعد یک سری برنامه داخلی و خارجی داشته باشیم که از هم جدا باشد، گذشته است. الان امنیتی‌ترین موضوع شما اقتصاد است و اقتصادی‌ترین موضوع‌تان امنیت است. داخلی‌ترین موضوع شما تنوع‌تعریف کاتال‌های اصلی‌تان در خارج است و شما نمی‌توانید بدون یک کارایی در داخل آن کارایی‌را در خارج تعریف کنید. هرکس بتواند تنوع واردات مواد غذایی را انجام دهد، می‌تواند جلوی شوک ارزی را بگیرد، می‌تواند تورم گروه مواد غذایی آشنامی‌دی را کنترل کند؛ هرکس این کار را بکند می‌تواند مانع از این شود که یک گروه جدید از طبقه متوسط، به طبقه زیر خط فقر منتقل نشود؛ هرکس این کار را انجام داد، تازه می‌تواند با طبقه متوسط درباره فرهنگ صحبت کند.»

اتباع باید در مسیر توسعه قرار گیرند

شاکری معتقد است که رفتار با اتباع در مقابل ایرانیان باید از نوع ترجیحی باشد. وی در توضیح گفت: «در حوزه مهاجران آیا هیچ راه‌حلی که شامل یارانه‌زدایی از گروه مواد غذایی و هم‌زمان ضمانت سب‌دکاری برای ایرانیان دارای کد ملی ایرانی باشد می‌توانید سراغ داشته باشید که با آن بتوانید با مهاجران گفت‌وگو کنید. یعنی یک مزیت موثر در نظر بگیرید که تفاوتی برای ایرانیان دارای کد ملی و اتباع ایجاد کنید که براساس آن بتوانید با اتباع گفت‌وگو کنید؟ مثلا شما به او حساب نمی‌دهید، می‌رود حساب یک ایرانی کرد و توسط رئیس‌جمهور ابراخ‌شد. اگرچه عمر دولت سیزدهم به سال پایانی نرسید تا بتواند گزارش کار خودش را از وضعیت تحقق این برنامه ارائه دهد، اما از جهت اینکه من خودم دست‌اندرکار نگاراش این برنامه بودم و از روز اول تا روزهای انتهایی ارزیابی درگیر بودم، می‌دانم فرصت‌های خیلی جدی در برنامه تحول دولت وجود دارد. خیلی از کاندیداها ایده‌ای فعلی مخصوصا قالیباف و قاضی‌زاده‌هاشمی برنامه تحول دولت را دیده، خوانده و قبول دارند. درکنار برنامه اصلی ما که برنامه هفتم توسعه است، این برنامه هم می‌تواند یک برنامه مکمل در سطح دقیق تر و ریزتر باشد و به‌عنوان یکی از فرصت‌های پیش‌روی کاندیداها مورد توجه واقع شود.»

هر چیزی نمی‌تواند اولویت دولت باشد

رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری با بیان اینکه شکست برنامه‌های توسعه کشور دلائل متعددی دارد، ادامه داد: «نظام برنامه‌ریزی سالیانه دولت که همان برنامه و بودجه است، عموما متناسب با اولویت‌های برنامه‌هفتم یا برنامه‌های پنج‌ساله نگارش نمی‌شود و دلیلش تغییراتی است که مکررا در دولت اتفاق می‌افتد. از این جهت همان طوره که اشاره کردم هم‌زمان شدن تشکیل این دو قوه با برنامه هفتم برای ما این فرصت را ایجاد می‌کند تا بتوانیم انتظار این موضوع را داشته باشیم.

دلیل دومی که باعث محقق نشدن این برنامه‌ها می‌شود، این است که اساسا برنامه‌های توسعه کشور به‌صورت کمی نوشته نمی‌شوند. بخشی از این نقطه ضعف در برنامه هفتم لحاظ و سعی شده برنامه هفتم به سمت کمیت‌گرایی برود، از این جهت که هم از حیث منابع مورد نیازش قابل برنامه‌ریزی باشد و هم از حیث شاخص‌های تحقق. نکته دیگری که به نظر باید به آن خوب توجه شود، این است که یکی از آسیب‌های جدی مادر محقق نشدن برنامه‌ها عدم تامین منابع لازم توسط دولت است. عموما بودجه‌هایی که دولت‌ها می‌نویسند دچار کسری می‌شود که طبیعتا بخشی از آن برنامه‌ها غیر قابل تحقق می‌شوند.

رویکردهای حیاتی

در ساخت سیاسی

امروز ایران

رضا غلامی
استاد دانشگاه

ما کشور بزرگ، مهم و ثروتمندی هستیم و می‌توانیم شرایط به‌مراتب بهتری داشته باشیم. مردم ما سزاوار رفاه، عدالت، آزادی‌های فردی، اخلاق و معنویت، شادکامی و از همه مهم‌تر، نظم و قانونگرایی (که عامل اصلی کاهش ناآرام‌آمدی، فساد و ناخوشی محسوب می‌شود) هستند.
باین حال اجازه بدهید بدون رودربایستی عرض کنم امروز زمینه برای تحقق این شرایط چندان مهیا نیست. با سخنرانی، با شاعران و با حرف‌های کلی و فانتزی روی کاغذ هم این شرایط هیچ‌گاه محقق نخواهد شد و حتی تکرار شعارهای بی‌نتیجه، مردم را سرخورده خواهد کرد. به‌عنوان یک پژوهشگر فلسفه سیاسی قصد دارم در این یادداشت از مباحث فلسفی عدول کنم و مشفقانه فهرستی از الزامات اصلی تحقق این شرایط را خدمت‌تان ارائه کنم. امیدوارم این فهرست به‌ویژه مورد عنایت رئیس‌جمهور محترم آینده قرار گیرد:

یک. کشور ما به واقع‌بینی، محاسبات عقلی دقیق و کنار گذاشتن توهمات، احتیاج مبرم دارد. برای رسیدن به این نقطه، شکل‌گیری جریان نقد عالمانه بسیار مفید است. دو. ایران ما به تسلط میانه‌روی در کشور، و طرد هر نوع از افراط‌گرایی از مذهبی، تا سیاسی اعم از چپ و راست، به‌جد محتاج است.

سه. کشور ما با بیماری مزمن ناآرام‌آمدی دست و پنجه نرم می‌کند. از این رو، به حکمرانی علمی «عدالت‌پایه» و متقابلا به انزوا کشاندن حکمرانی سلیقه‌ای و مبتنی بر تجارب فردی و گروهی نیاز ضروری دارد.

چهار. سیاست در کشور ما به درک مفهوم رضایت عمومی (یعنی رضایت حداکثری)، جایگاه آن در اندیشه سیاسی اسلام، تشخیص جزئیات آن از طریق تحقیقات معتبر میدانی و سپس تامین حتمی آن احتیاج دارد.

پنج. ایران امروز به شکل‌گیری اتفاق‌نظر حداکثری درباره مصادیق عمده منافع ملی، لزوم بافشاری روی آنها تا زمان مورد نظر و حتی اتفاق‌نظر درباره راه‌های اصلی تحقق منافع ملی احتیاج دارد.

شش. کشور ما نیازمند کنار گذاشتن مفهوم مبهم و غیرمسئولیت‌آور جناح سیاسی، سپس رآواری به تاسیس احزاب قدرتمند و دائم‌ال‌درحال‌فعالی، و پیوند زدن انتخابات به احزاب در قانون است. باید به دوره خرابکاری و مسئولیت‌نپذیرفتن گروه‌های سیاسی پایان داد.

هفت. ایران ما به شدت به بازنشسته شدن سیاستمداران کم‌استعداد و ناموفق و مدیران کم‌توان و باز شدن میدان روی عناصر سیاسی پراستعداد و درعین حال متعهد و پاک‌دست از طیف‌های سیاسی مختلف نیاز دارد.

هشت. ملت عزیز ما باید با ارتقای سواد سیاسی از پوپولیسم و عوام‌زدگی به سرعت عبور کند و نیازهای خود را از طرق عقلانی و با مراجه هوشمندانه به صندوق‌های رای تأمین کند.

نه. کشور ما تشنه به رسمیت شناختن تنوع و تکثر سیاسی و فکری و فرهنگی و پایان یافتن هرگونه نفرت‌راکنی و شکاف اجتماعی است. از همین جهت، نیازمند قانونگذاری مجدد درباره آن، در چهارچوب آزادی، عدالت و اخلاق است.

ده. کشور ما به بازنگری در ترکیب نخبگانی از طیف‌های مختلف و سپس، کنار گذاشتن قهرهای کودکانه و گفت‌وگوهای دائمی و غیرتشریفاتی میان نخبگان با هر فکر و سلیقه‌ای، نیاز ضروری دارد.

یازده. ایران عزیز نیازمند خارج کردن مردم از بی‌تفاوتی درقبال اداره کشور و مشارکت آنها در امور از طریق بها دادن به مجامع مدنی قانونی و بسط آنهاست.

دوازده. کشور ما به اهم فی‌الاهم کردن امور و مصلحت‌سنجی‌های فوق‌هوشمندانه مبتنی بر دو عنصر حفظ موجودیت سیاسی ایران و کسب رضایت اکثریت مردم، در روابط سیاسی با کشورهای جهان احتیاج دارد.

سیزده. کشور ما نیازمند گسترش اخلاق کاربردی و حرفه‌ای و گسترش بی‌تعارف قانون‌گرایی و نظم اجتماعی است و یقینا اینها در مقابله با فساد، ناآرام‌آمدی و خوش کردن زندگی برای مردم، اثر برجسته‌ای دارد.

چهارده. دین مردم در ایران یک موضوع ریشه‌دار و عمیق است و دینظر گرفتن ارزش‌های اسلامی و اصول شریعت اسلامی در همه امور مطالبه بخش عمده مردم ایران است؛ با این وجود پیرایش دین از خرافات و موهومات، برجسته‌تر کردن جایگاه عقلانیت در ساختار و بافعا خودش را در رقبال برنامه هفتم توسعه مکلف بدانند و این کاریکاتوری و واگرا به دین با نقش آفرینی سلای روشن اندیش و کمک مردم و دولت، ضروری است.
جاذبه‌های دین باید به‌مراتب بیش از دفعه‌هایش باشد.

پانزده. ایران عزیز به شفافیت بالا نیاز دارد. نباید از شفافیت ترسید. شفافیت را می‌توان با قاعده‌گذاری منطقی، به‌راحتی با امنیت داخلی و ملی پیوند زد، کامیالیکه بعضی کشورها این کار را کرده‌اند. هر قدر شفافیت بیشتر شود و نقاط پنهان و سایه‌ها از بین برود، اعتماد مردم به نظام بیشتر می‌شود. شانزده. وجود رسانه‌ها و تریبون‌های آزاد و منتقد، از خواسته‌های قانون اساسی و جزء لوازم ضروری پیشرفت است و مواجه امنیتی با این پدیده، جامعه را دچار بیماری‌های سیاسی مختلف و حتی کشنده می‌کند.

را اجازه می‌کند. مثلا به او موبایل نمی‌دهید، موبایل یک ابزار می‌گیرد، اصلاح‌حساب هم به او ندهید او به راحتی می‌تواند در هرات بیش از یک و نیم تادو میلیارد دلار در سال تبدیل کند. تنها چیزی که می‌ماند این است که شما بتوانید یک برخورد ترجیحی با اتباع نسبت به ایرانیان انجام دهید که این برخورد ترجیحی به شما این امکان را ده‌د که حالا بتوانید با اتباع گفت‌وگو کنید و بگویید اتفاقا من می‌خواهم از پنجره جمعیتی افغانستان هم برای توسعه ایران‌هم برای توسعه افغانستان به این شرط که حاضر باشد در برنامه توسعه من بازی کند نگاه کنم. الان می‌گویید چرامن باید در پارلن تو بازی کنم؟ چه فرقی دارد؟ حداکثر ابزاری که دارید این است که من را در میدان تجریش بگیرید و به مزب فرستید، من هم دوباره بروم می‌گردم. ابزار دیگری وجود ندارد.»

مشکل مسکن کمبود آن نیست

این کارشناس مسائل اقتصادی با اشاره به اینکه مشکل ما کمبود مسکن نیست ادامه داد: «نقر بافت مسکونی مناسب است، آن چیزی که در تهران تعیین‌کننده قیمت مسکن است، ۱۸ بافت مسکونی قابل‌زیست است که شاخص تهران را تعیین می‌کند و او هم شاخص بقیه کشور را مشخص می‌کند. پس هرکاری بخواهید انجام دهید باید بافت جدید بسازید، پاسخ بافت جدید ساختن با مالیات بر خانه‌های خالی نیست و باید چشم‌انداز عرضه را تغییر دهید. اگر بخواهید چشم‌انداز عرضه را در تهران تغییر دهید برای اینکه در کل کشور تاثیر بگذارید و مثلا از منطق شهر محدود که در تهران دارید، بگذرید و به سمت شهر گسترده حرکت کنید و حریم را به همان سطحی که در برنامه توسعه مامیش پیش‌بینی شده، گسترش دهید. می‌خواهید با گذاری جمعیت زیر الیز را از همین مقداری که هست بیشتر کنید. در چنین شرایطی با خالی شدن نیروی شرقی ایران چکار می‌کنید؟ شما به یک برنامه توسعه‌ای نیاز دارید که در شرق ایران، ایجاد یک منطقه جاذبه جمعیت بکند که بتوانید با وزیر البرز اتاحی تخلیه کنید و ضمنا آنجا بافت مسکونی جدید بسازید. جمعیت با ساختمان ساختن به جایی نمی‌رود، با ایده زنجیره ارزش افزوده پیش می‌رود پس شما یک برنامه توسعه می‌خواهید که افقی نباشد و درباره چند هدف منطقه‌ای، توسعه‌ای باشد، آن وقت مکران خیلی مهم می‌شود اما شما مکران را به آب جی‌ان» هند دادید که توسعه پیدا نکنند.»

باید در مسیر معکوس آموزش خصوصی‌سازی مدارس دولتی حرکت کنیم

شاکری با بیان اینکه جابه‌جایی طبقاتی در ایران بسیار ضعیف است، گفت: «آموزش دولتی که زمانی نقش ایفا می‌کرد، عملا دایرگن این نقش را ایفا نمی‌کند؛ یعنی آموزش دولتی آنقدر تضعیف شده که دیگر نمی‌توانید با شانس بالا از آموزش دولتی به دانشگاه‌های رتبه یک یا رده اول بروید این شدیدا جابه‌جایی طبقاتی را محدود کرده است. نمی‌توانید شبکه جدید بسازید و نمی‌توانید در حوزه آموزش به‌عنوان مهم‌ترین آسانسور طبقاتی در ۳۰-۲۰ سال گذشته همان نقش را ایفا کنید. پس احتمالا اگر شکل صورت مساله این‌طور باشد، باید فکری برای کیفیت آموزش دولتی انجام دهیم و مسیر کاملا معکوس خصوصی‌سازی مدارس دولتی را برویم.»

دولت با مجلس تقسیم نقش کند

زمانیان معتقد است مجلس پیش‌رو باید کمتر دست به تولید قانون بزند. وی در این باره توضیح داد: «یکی از گرفتاری‌های ما مخصوصا در مجلس این است که نمایندگان فکر می‌کنند هیچ موضوعی در کشور سابقه ندارد. از همین رو تمام فرصت مجلس به سمت کارکرد قانونگذاری و پیشنهاد طرح می‌رود. فاصله‌ای که فضای اجرا از فضای قانونگذاری دارد، باعث می‌شود امکان اجرایی‌ذیری طرح‌هایی که توسط نمایندگان مجلس به دولت تحمیل می‌شود و در مسیر تصویب قرار می‌گیرد، ضعیف شود. پیشنهاد من این است که در نسبت یابی بین مجلس و دولت آینده باید تقسیم نقش درستی انجام شود وگره کشور وارد فضای رقابت بر سر قانون‌نویسی، قانونگذاری و طرح‌نویسی می‌شود. ما الان به‌اندازه کافی قانون و طرح در کشور داریم و فرصتی نداریم که بخروا هم آنها را دوباره برای قانون‌نویسی و طرح‌نویسی هزینه کنیم. به همین دلیل این تعریف از نماینده «نماینده خوب کسی است که ملام طرح بدهد، برای کشور خیلی مخرب است. باید به این سمت برویم که نمایندگان محترم مجلس کمک‌کنند مسیر اجرایی سیاست‌های دولت پیش برود. در غیر این صورت تمام عمر چهارساله دولت و مجلس معطوف به قانون‌نویسی و آیین‌نامه‌نویسی برای کارها می‌شود و عدلان فرصت‌ها از دست می‌رود.»

فرهنگ نخبگان

فرهنگ نخبگان

فرهنگ نخبگان



پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۳



شماره ۴۱۶۶



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

۷